

Glück لغت روز Wort des Tages

Das Glück یک اسم خنثی می باشد

خوش شانس ، خوشبختی ، اقبال ، بخت نیک ، عاقبت خیر
شانس ، خوش بیاری

Viel Glück

آرزوی خوش بیاری یا عاقبت بخیری برای کسی کردن

Er hat Glück gehabt, dass ihm nichts passiert ist
شانس آورد که هیچ اتفاقی (اتفاق بدی) برای او نیفتاد.

Er hat kein Glück bei Frauen

از زن جماعت شانس نیاورده!

Jemandem viel Glück für etwas wünschen

برای کسی آرزوی خوشبختی زیاد در چیزی را کردن

Mit etwas Glück kann man das schon schaffen

با کمی خوشانسی آدم می تواند آنرا انجام دهد

Ihm lief das Glück nach

او خیلی شانس داشت.

Mit dem milden Richter hat er wirklich Glück gehabt

با این قاضی رئوف او واقعا شانس آورد

یکی از پر کاربرد ترین حالت Glück زمانی است که با حرف اضافه zu ترکیب شده و تبدیل به zum Glück می شود

Zum Glück خوشبختانه

Zum Glück ist ihm nichts passiert

خوشبختانه برای او اتفاقی (اتفاق بدی) نیفتاد.

Zum Glück hatten wir dort gute lehrer

خوشبختانه در آنجا ما معلم خوبی داشتیم

Zum Glück hatte ich meine Brieftasche dabei

خوشبختانه کیف پولم را به همراه داشتم

Es gibt keinen Weg zum Glück

Glücklich sein ist der Weg

Buddha

هیچ مسیری وجود ندارد برای رفتن به خوشانسی

خوشحال بودن خودش مسیر است

بودا

Wer zum Glück der Welt beitragen möchte, der Sorge zunächst einmal für eine glückliche
Atmosphäre in seinem eigenen Haus

(Albert Schweitzer)

کسی که برای خوشبختی زمین می خواهد کمک و یاری کند ، در ابتدا برای یک فضای بسیار خوب در خانه خودش سعی و
تلاش میکند.

آلبرت شوایتزر (پزشک ، فیلسوف و موسیقیدان آلمانی)

موفق باشید.

Viel Erfolg